



خرید تلفن همراه به سبک اشباح!

محمدجواد ابوعطا| چند دقیقه بیشتر از گذاشتن آگهی فروش گوشی تلفن همراه گران قیمتش در سایت دیوار نگذشته بود که زنی خوش صدا با فروشنده تماس گرفت. زن بعد از گرفتن مشخصات گوشی با عذرخواهی زیاد پرسید: «گوشی کارتن دارد؟ چون می‌ترسم گوشی دزدی به من بفروشند.» مرد جوان او را مطمئن کرد که حتی فاکتور خریدگوشی را برای قیمت‌گوشی شدند. از این مرحله هم که‌گذشتند زن جوان قراری را برای ساعات ابتدایی شب در جایی از شهر تنظیم کرد و قرار شد سر ساعت هر دو آنجا باشند. فروشنده دقایقی سر قرار معطل می‌شود و چندباری شماره زن را می‌گیرد که جوابش را نمی‌دهد و پیش از آنکه برای بار چهارم به زن زنگ بزند، دو مرد که گویی در تاریکی شب استتار کرده بودند، با چاقویی آخته ناگهان همچون شیخ جلو مرد جوان حاضر شدند و برق چاقویشان زبان فروشنده را بست و آن‌ها پس از زورگیری تلفن همراهی که قرار بود بفروشد، متواری شدند. این سرقت‌ها همچون سریالی سیاه در مشهد تکرار شد تا جایی که کارآگاهان پلیس آگاهی برای بررسی موضوع وارد عمل شدند و توانستند این پرونده را خیلی زود ببندند.

مأموران اداره مبارزه با جرائم خشن پلیس آگاهی مشهد با دریافت گزارش سرقت‌های خشن از فروشندگان تلفن‌های همراه دست‌دوم در سایت‌های واسطه‌گر، بلافاصله وارد عمل شدند و بررسی اظهارات مال باختمان نشان داد که نقشه تمام سرقت‌ها از سوی اعضای یک باند طراحی و اجرا شده است.

مأموران با مشخصات ظاهری به‌دست‌آمده از متهمان، یکی از آن‌ها را شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی او را دستگیر کردند. متهم پس از انتقال به مقر انتظامی در رویارویی حضوری با تعدادی از مال‌باخته‌ها و ادله و مستندات پلیس به دوازده فقره زورگیری با این ترغند با همدستی زنی جوان و یکی از دوستانش در سطح شهر مشهد اعتراف کرد. در ادامه زن خوش‌صدا و دیگر همدست آن‌ها نیز دستگیر شدند. با هماهنگی مقام قضایی تحقیقات از متهمان برای کشف دیگر جرائم احتمالی ادامه دارد.



مشاهده شاه‌بال آسمانی روی زمین

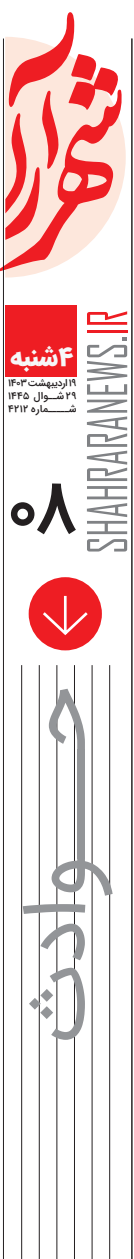
شهرآرا| دیدنش تقریباً محال است، مگر زمانی که در دل آسمان یک نقطه شده باشد. البته کسی جرئت نزدیک شدن به او را هم ندارد چون خطرات جانی فرد را تهدید می‌کند. در این شرایط بوده که تیم‌گشتی پاسگاه سلطان‌آباد از دیدن عقابی کمیاب روی زمین متعجب شدند. تعجب مأموران زمانی بیشتر شد که عقاب با وجود نزدیک شدن خودرو پلیس با هم بال نگشود و پرواز نکرد. لحظاتی بعد مأموران متوجه شدند که این پرنده به علت زخمی شدن، یارای پرواز ندارد. مأموران که این پرنده را در محورهای فرعی محدوده پیچ ساغروان پیدا کرده بودند، اقدامات لازم را انجام دادند و با هماهنگی اداره حفاظت از محیط زیست شهرستان مشهد، این حیوان برای تیمار و بازگشت به آسمان تحویل محیط بانان شد.

پشت پرده یک عملیات پلیسی

سهیل دیپا| از روزی که آمارش را به پلیس داده بودند، چند روزی می‌گذشت. همسایه‌ها انتظار داشتند با اعلام این موضوع، مأموران شبیه فیلم‌ها از در و دیوار این خانه بالا بروند و متهم را دست‌بسته و تحقیرآمیز جلو چشم مردم از لانه سیاهش بیرون بکشند، اما دو روز گذشته بود و هیچ‌کدام از این اتفاقی‌ها نیفتاده بود، حتی یک خودرو پلیس هم اشتباهی از کوچه‌شان نگذشته بود. اهالی خیابان حر دیگر مطمئن شده بودند، پلیس‌کاری برای جمع‌آوری متهم نمی‌کند، اما روز سوم در کمال تعجب دقیقاً همان صحنه‌هایی که انتظار داشتند، پیش‌رویشان رقم خورد و مأموران کلانتری شهید باهنر متهم را دستگیر کردند. آنچه شهروندان نمی‌دانستند، نحوه رسیدگی به شکایت آن‌ها بود. زیرا مأموران باید ابتدا مطمئن می‌شدند که این گزارش صحت دارد. از این‌رو دو شبانه‌روز به طور نامحسوس این پاتوق شرارت را زیر نظر گرفته بودند. بعد از اطمینان از خرده‌فروشی مواد مخدر، هماهنگی‌های لازم را با مقام قضایی انجام داده و در نهایت روز سوم عملیات دستگیری را آغاز کردند. به‌گفته سرهنگ رضا صاحبکار، سرکلانتر شرق پلیس مشهد، مأموران هم‌زمان با دستگیری متهم در بازرسی از مخفیگاهش پانصدگرم مواد مخدر صنعتی از نوع هروئین فشرده در قالب ۴۲۰ بسته آماده فروش کشف کردند.

دستگیری زورگیری که باقمه حمله می‌کرد

دیپا| مرد جوان چندان بی‌دست‌وپا هم نبوده که با تهدید یک موتورسوار تنها گوشی‌اش را دو دستی تقدیم‌کند. اما وقتی پای یک قمه‌بزرگ برهنه در وسط باشد، دست و پای خیلی‌ها بسته می‌شود. این مرد سی و پنج‌ساله هم که در حاشیه بولوار یوسفیه در حال پیاده‌روی بود از این قاعده مستثنا نبود و اسیر زورگیر شده بود. مرد جوان تنها کار مثبتی که کرده بود، اعلام فوری سرقت به پلیس بود. مأموران کلانتری الهیه که در همان حوالی در حال گشت‌زنی بودند با اعلام این سرقت به محل اعزام شدند و با به دست آوردن مشخصات ظاهری متهم، توانستند در گشت‌زنی‌های هدفمندی دوازده ساعت بعد از سرقت، متهم را شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی دستگیر کنند. در بازرسی از مخفیگاه این فرد دو دستگاه گوشی تلفن همراه مسروقه، یک قبضه شمشیر و یک قبضه قمه کشف شد. متهم چهل‌ساله پس از انتقال به مقر انتظامی با توجه به گزارش سرقت‌های مشابه طی چند مرحله بازجویی به هفت فقره زورگیری تلفن همراه اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد.

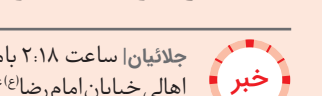


گودبرداری غیراصولی، همسایه را خانه خراب کرد

جلائی‌ان| ساعت ۲۰:۱۸ با مبادا دیروز، اهالی خیابان امام رضا ۶۴^{هـ} با صدای مهیبی از خواب بیدار شدند و وحشت‌زده از خانه‌های خود بیرون زدند. کمی بعد، آن‌ها فهمیدند که این صدای هولناک مربوط به فروریختن یکی از ساختمان‌های کوچه‌شان بوده است. ساختمانی که در زمین کنارش از مدتی قبل گودالی عمیق کنده شده بود تا ساختمانی جدید جای آن را بگیرد، اما حالا همان گودال موجب دردسر شده بود.

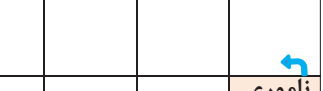
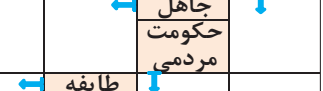
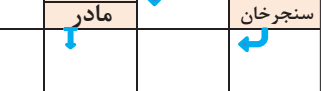
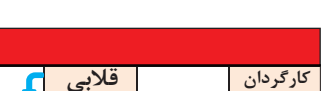
اهالی نمی‌دانستند در این ساختمان کسی بوده و زیر‌آوار مانده یا هنگام حادثه خالی بوده است. آن‌ها بلافاصله موضوع را با آتش‌نشانی در میان گذاشتند.

بارسیدن تیم‌های امداد و نجات آتش‌نشانی از سه ایستگاه ۱۱۹۰۴ به محل حادثه، امدادگران عملیات خود را برای نجات ساکنان احتمالی گرفتار زیر آوار آغاز کردند.



جلائی‌ان| ساعت ۲۰:۱۸ با مبادا دیروز، اهالی خیابان امام رضا ۶۴^{هـ} با صدای مهیبی از خواب بیدار شدند و وحشت‌زده از خانه‌های خود بیرون زدند. کمی بعد، آن‌ها فهمیدند که این صدای هولناک مربوط به فروریختن یکی از ساختمان‌های کوچه‌شان بوده است. ساختمانی که در زمین کنارش از مدتی قبل گودالی عمیق کنده شده بود تا ساختمانی جدید جای آن را بگیرد، اما حالا همان گودال موجب دردسر شده بود.

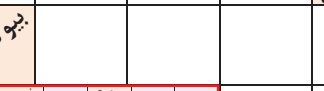
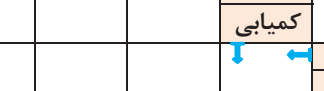
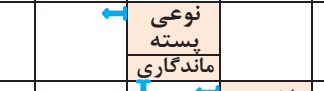
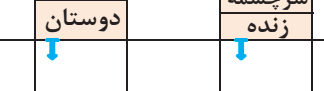
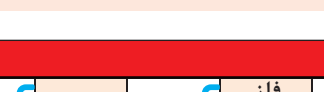
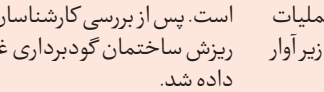
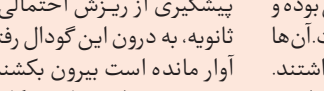
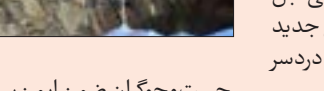
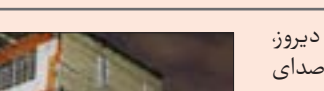
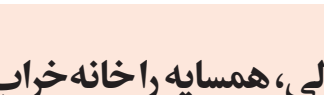
اهالی نمی‌دانستند در این ساختمان کسی بوده و زیر‌آوار مانده یا هنگام حادثه خالی بوده است. آن‌ها بلافاصله موضوع را با آتش‌نشانی در میان گذاشتند. بارسیدن تیم‌های امداد و نجات آتش‌نشانی از سه ایستگاه ۱۱۹۰۴ به محل حادثه، امدادگران عملیات خود را برای نجات ساکنان احتمالی گرفتار زیر آوار آغاز کردند.



این سازمان و مردمی که از نقاط مختلف کشور خود را به این روستا رسانده‌اند، شروع به بررسی مناطقی می‌کنند که کمتر جست‌وجو شده بود. فردای آن روز هادی به اتفاق همسر و فرزندان، زمینی را برای تیک‌آف تنها کایت موتوری جمعیت هلال احمر کشور آماده می‌کنند و به این ترتیب نخستین جست‌وجوی هوایی برای یافتن این کودک چهار ساله آغاز می‌شود. دو ساعت بعد کاهانی برای سوخت‌گیری دوباره فرود می‌آید و با هزینه شخصی‌اش در همان روستا بنزین را به دوبار قیمت آزادش می‌خرد تا دوباره برود.

این عضو داوطلب جمعیت هلال احمر خراسان رضوی این‌بار در هشتادمتری زمین معلق است که ناگهان تصمیم می‌گیرد به جای جست‌وجو در زمین، در آسمان محلی که پیش از این نیز جست‌وجو شده بود، از خدا می‌خواهد کمکش کند و پس از آن روز بیاید. دقایقی بعد از همین دعاست که او می‌تواند پسینا را در میان انبوهی از گل‌زاهای بلند تشخیص دهد. در محلی که پیش از این نیز جست‌وجو شده بود، او اصلاح‌قرار نبود آنجا را برگرد.

آغاز یک ماجرا
کاهانی در قراری از پیش تعیین شده گفت‌گو می‌کنم تا از کلیات یافتن کودک کلاله‌ای بگذرد و جزئیات بیشتری به ما بدهد که او در این زمینه می‌گوید: من و خانواده‌ام ساعتی بعد از دیدن تصاویر پینابه سمت استان گلستان حرکت کردیم، امیدوار بودم همان روز هم بتوانم پرواز کنم، اما به دلیل ترافیک، وقتی به مقصد رسیدیم که هوا کاملاً تاریک شده بود. لحظاتی پس از رسیدن مایه محل گم‌شدن پسینا، متأسفانه خبر درگذشت یکی از اقوام همسرم به ما رسید. من دوباره نظار او و دو فرزندم را جویا شدم که همه نظرشان ماندن و جست‌وجو برای پیدا کردن پسینا بود. شب اول، من با نیروهای هلال احمر که صحبت کردم قرار شد مناطقی را برگردم که آن‌ها جست‌وجو نکرده بودند. صبح زود با همسر، دختر و پسر محل تیک‌آفم را آماده کردیم و به پرواز درآمدیم. دو ساعت در مناطق رودخانه، جنگل و مناطقی را که گفتند، گشتیم اما نشانی از پسینا نبود.



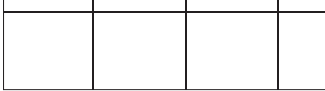
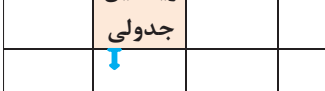
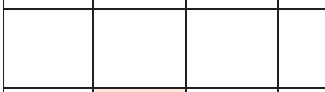
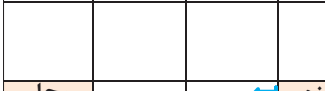
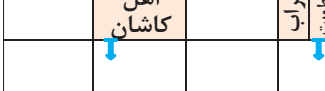
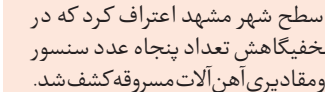
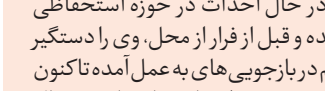
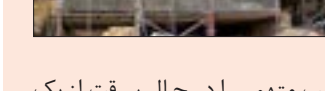
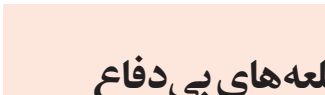
روز هلال احمر بهانه‌ای شد تا به سراغ داوطلبی برویم که کار مردانه‌ای در حق کودک گمشده کلاله‌ای کرد

روایت آسمانی پیداشدن «پسینا»



به اشتباه بهما گفت او به همراه مادرش در خانه است. مکانی که صد‌ها نفر در آن به جشن و پایکوبی مشغول بودند. دوباره پدرش در حالی که مدام اشک شوق می‌ریخت، من را در آغوش گرفت و گفت که او در بیمارستان است. بعد از آن همراه پدر پسینا به بیمارستانی رفتم که این دختر چهار ساله در آن بستری شده بود. زمان حضور ماد‌ختر پیچه تحت درمان بود و به همین دلیل فقط کمی با او صحبت کردیم و زود از بیمارستان خارج شدیم. پدر پسینا می‌گفت اجازه نمی‌دهم که شما بروید و باید میهمان ما باشید. متأسفانه ما مجبور به بازگشت بودیم و به همین دلیل بدون خدا حافظی نیمه‌شب از روستا خارج شدیم.

این عضو داوطلب هلال احمر در پایان اضافه می‌کند: در عملیات پیدا کردن پسینا مشخص شد که کایت موتوردار قابلیت استفاده در تجسس‌های هوایی را دارد. کایت موتوردار تک‌نفره که با از روی زمین بلند شود در ایران کسی ندارد و مجهز به موتور کردم، در صورتی که می‌توان کایت موتوردار را با قیمتی در حدود ۶۵۰ تا ۷۰۰ میلیون تومان وارد کشور کرد و از آن در کارهای مختلفی از جمله عملیات‌های هلال احمر استفاده کرد.



پسینا خانم، همین‌جا باش تا به دوستانم بگویم بیایند. ما یک بی‌سیم داشتیم که آن هم دست همسرم بود تا وضعیت من را به نیروهای امدادی اطلاع دهد. برای همین مجبور بودم به محل نیروهای تجسس برگردم، وقتی به نیروهای تجسس رسیدم با صدای بلند داد زدم پیدایش کردم، پیدایش کردم. دنبال من بیایید، نیروهای تجسس به دنبال من راه افتادند و همه چهار دقیقه بعد روی سر پسینا بودیم.

نیمه‌شب از روستا خارج شدیم
کاهانی درباره اتفاقات پس از پیداشدن پسینا در استان گلستان می‌گوید: بعد از پیداشدن پسینا خیلی خوشحال بودم. دوست داشتم در جشن و شادی مردم خوب این منطقه حضور داشته باشم، اما باید هرچه زودتر آنجا را ترک می‌کردیم و به زادگاهمان برای شرکت در مراسم یادبود یکی از اقوام بازمی‌گشتیم. در هر صورت ساعتی بعد از پیداشدن پسینا من با پدر و مادرش روبه‌رو شدم. پدرش آن قدر من را در آغوش فشار داد که حس شکسته شدن گردنم را داشتم. مادرش البته فارسی بلد نبود، اما با همان نگاهش متوجه صحبت‌هایش می‌شدم. با تاریکی هوا تصمیم داشتیم پسینا را ببینیم و بازگردیم. یکی از اقوامش

